



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امروز این بحث مربوط به صوفیه را تمام می کنیم، اصول را عرض کردیم بقیه را خودتان مطالعه خواهید کرد فقط چند مطلب قابل ذکر می باشد:

مطلب اول اینکه هیچ صوفی عارف نیست و هیچ عارفی صوفی نیست عرفان و تصوف را نباید باهم دانست و با هم ذکر کرد زیرا همانطور که ما عرض کردیم عرفان یک ارتباطی بین انسان و خداوند متعال است که در سطح بسیار بالا و مقدسی می باشد اما صوفی گری یک مذهب انحرافی و باطل است بنابراین کسانی که فکر می کنند صوفی با عارف یکی است و این دو را با هم ذکر می کنند ما این را قبول نداریم عرفان حقیقی و تصوف معروف و مشهور اصلاً با هم قابل جمع نیستند.

مطلب دوم اینکه عمده دلیل ما بر بطلان و انحراف تصوف اخباری است که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده که یکی از آنها کلام امام صادق علیه السلام در حدیث معتبر است که فرمودند: **"إِنَّمَا أَعْدَانَا وَمِنْ أَعَانِهِمُ كَمَنْ أَعَانَ يَزِيدَ وَ شَمْرَ"**.

مطلب سوم اینکه این فرقه منحرف که از اهل بیت علیهم السلام جدا شدند برای خودشان اقطاب و اولیائی ساختند و آنها را ولی و امام دانستند که یکی از آنها همان مولوی است که در مثنوی می گوید:

آزمایش تا قیامت دائم است

پس به هر دوری ولی لازم است

پس امام حی و مطلق آن ولی است

خواه از نسل عمر خواه از علی است

ما ولایت را شخصی و مختص پیغمبر و ائمه علیهم السلام می دانیم که در اخبار متواتر یک یک نام آنها ذکر شده اما صوفیه ولایت را نوعی می دانند لذا اقطاب خودشان را ولی و امام و حجت می دانند که گفتیم در کتاب تذکرة الاولیاء نام آنها ذکر شده است.

مطلب چهارم اینکه برای قطب هایشان مانند با یزید بسطامی، ابراهیم ادهم، معروف کرخی، شقیق بلخی، ذوالنون مصری، جنید بغدادی و امثالهم با ادعاهای دروغین و بدون مدرک فضائل و مناقبی ذکر کرده و چهره سازی و چهره آرائی کرده اند که بیشتر این ادعاها با دلائل عقلی و حکم عقل نیز باطل است و اعتقاداتی مثل اتحاد و حلول و وحدت وجود و امثال ذلک نیز دارند.

مطلب پنجم اینکه بهترین دلیل بر بطلان مذهب صوفیه مطالعه احوالات آنها در کتب خودشان می باشد که ما یک مطالعه کردیم و مطالب فراوانی بر خلاف اسلام و قران و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام دیدیم و همین برای بطلان آنها کافی می باشد.

مطلب ششم اینکه موارد زیادی هست که کلمات ائمه علیهم السلام را سرقت کرده و بنام اقطاب خودشان ذکر کرده اند.

اینها اصولی بودند که عرض کردیم و اگر کسی مراجعه و تتبع کند متوجه می شود که بطلان و انحراف صوفیه مثل خورشید در وسط آسمان می باشد و عرض کردیم که بنی امیه و بنی عباس صوفیه را ایجاد کردند تا مردم را از اهل بیت علیهم السلام دور کنند و قدرت خودشان را تقویت و حفظ کنند.

راه حق فقط یک راه است در قران کریم در ۳۲ آیه صراط مستقیم ذکر شده و بعد گفته شده دنبال راههای دیگر نروید که اگر بروید از صراط مستقیم دور شده اید و در تفاسیر قران در تفسیر "اهدنا الصراط المستقیم" ذکر شده که مراد صراط ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد و این راهی بسیار روشن است و کسانی که از این راه دور بیافتند باطل و گمراه و منحرف هستند.

خب و اما چونکه ما از فلسفه نام بردیم و در یک حدیثی نیز ظاهراً ذکر شده بود بعضی از عزیزان خواستند توضیحی نیز در مورد فلسفه داده شود، فلسفه یک علم بسیار بسیار مهمی است، علم به حقائق اشیاء عقلاً فلسفه می باشد، قبلاً عرض کردم که بنده غیر از منظومه سبزواری پنج سال درس اسفار آیت الله طباطبائی شرکت می کردم، آنچه که مسلم است و آیت الله طباطبائی نیز می فرمودند این است که فلسفه را برای دانستن می خوانیم نه برای باور کردن و معتقد شدن، بعضی از مطالب را انسان می خواند و با عقیده و ایمانش نیز توأم است مثل کلمات اهل بیت علیهم السلام اما بعضی چیزها را می خوانیم و فقط می خواهیم بفهمیم و بدانیم و ببینیم عقل ما تا چه حدی به آن می رسد و دیگر به آن باور و ایمان و اعتقاد نداریم.

چند نمونه بنده نوشته ام، مثلاً در بحث معاد که در آخر منظومه سبزواری و اسفار وجود دارد این بحث مطرح شده که آیا معاد روحانی است یا جسمانی یا انسانی؟ ظاهر قران کریم و اخبار اهل بیت علیهم السلام این است که انسان در دنیا با روح و بدن انسان است و خداوند عالم قدرت دارد ذرات انسان را در هر جایی که باشند جمع کند و دوباره بدن تشکیل شود و قران کریم نیز می فرماید: **"قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ ۖ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیظٌ"**^۱ و حضرت امیر علیه السلام نیز در نهج البلاغه فرموده خداوند متعال ذرات بدن انسان را از ساختمانها و اعماق دریاها و از هر جایی جمع می کند و بدن دوباره درست می شود، اخبار ما می گویند در فاصله ای که انسان می میرد تا روز قیامت روح در بدن مثالی می باشد، بدن مثالی یک بدنی است از این بدن جسمانی دنیوی سبک تر ولی دقیقاً شبیه همین بدن است منتهی روز قیامت خداوند متعال ذرات بدن اصلی را جمع می کند و همان بدن اصلی را درست می کند،

^۱ سوره ق، آیه ۴.

آیت الله طباطبائی در تفسیر المیزان فرمودند اعضا بدن باید در قیامت شهادت بدهند لذا همین اعضا که در دنیا مرتکب اعمالی شده اند دوباره تشکیل می شوند و شهادت می دهند بنابراین معاد یک معاد انسانی با همین بدن و روح می باشد اما منظومه سبزواری و اسفار یک مطلبی دارند که با این جور در نمی آید.

علامه حاج شیخ محمد تقی آملی در تهران بودند و بنده نیز گاهی که به تهران می رفتم در درس ایشان شرکت می کردم، ایشان حاشیه ای بر منظومه سبزواری دارد در آخرش (صفحه ۵۹۷) که به معاد می رسد و در مورد کلام منظومه می فرماید: "و لعمری ان هذا غیر مطابق مع ما نطق علیه للشرع المقدس علی شاره السلام و التحیه" میفرماید این مطابق با آن چیزی ست که اسلام میگوید، نیست. پس از آن میگوید "وانا اشهد الله و ملائکته و انبیائه و رسله انی اعتقد فی هذه الساعه و هی ساعه الثلاث من يوم الاحد الرابع عشر من شهر شعبان معظم سنه الف و ثلاثه و ثمانیه و ستین فی امر المعاد الجسماني بما نطق به القرآن الکریم و اعتقد بمحمد (ص) و ائمه المعصومین و علیه اطبقت الامه الاسلامیه و لا انکر من قدره الله شینا و یعجبنی فی ذلک کثیرا قول المولوی فی المثنوی فی منکر الحشر الجسماني حیث یقول:

پس مثال تو چو آن حلقه زنیست

کز درونش خواجه گوید خواجه نیست

حلقه زن زین نیست دریابد که هست

پس ز حلقه بر ندارد هیچ دست"

پس روز قیامت همین انسان که از خاک و نطفه و... تشکیل و کامل شده و بعد روح پیدا کرده محشور می شود، حالا منظور این است که یک فقیه وقتی مطالب فلسفی منظومه در مورد معاد را خوانده اینطور نظر داده است.

آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه هم در فلسفه استاد بود و هم در تفسیر و فرهنگ قران و اهل بیت علیهم السلام در سطح بسیار بالائی بود، در آن زمان یک نفر بنام پروفیسور کوربن از فرانسه برای ملاقات ایشان به ایران می آمد و جلساتی با هم داشتند این شخص در فرانسه مشهور بود که شیعه و فیلسوف است لذا آیت الله طباطبائی به او اهمیت می داد و برای جلسات به تهران می رفت حتی یک بار بنده داخل ماشین نشستیم که به تهران بروم آیت الله طباطبائی آمدند و کنار من نشستند از ایشان پرسیدم کجا تشریف می برید فرمودند برای جلسه با پروفیسور کوربن به تهران می روم علی ای حال یکی از مباحثی که داشتند این بود که کوربن از آیت الله طباطبائی سوال کرد که روایت داریم خداوند ارواح انسان ها را دوهزار سال قبل از خلقت ابدان آنها آفریده و از طرفی در منظومه و اسفار هست که روح مرتبه ای از تکامل بدن است و در چهار ماهگی بدن دارای روح می شود و این دلالت دارد بر اینکه روح بعد از بدن یا با بدن خلق شده و این بر خلاف خبر مذکور است حالا این دو مطلب را

چگونه باید جمع کنیم؟ بنده نیز یک وقتی در بحار شمردم و دیدم شاید بیش از ۱۶ روایت با همین مضمون (خلق الله الارواح قبل الابدان بالفی عام) وجود داشت، آیت الله طباطبائی در جواب فرمودند بله این اخبار درست است فلسفه اینطور می گوید و قران نیز می گوید روح با خلقت بدن خلق می شود، بنده از ایشان پرسیدم کدام آیه اینطور می گوید؟ ایشان فرمودند "خلقناکم من تراب" و "کم" همین روح شماسست و انسان بودن شما به روح شماسست و بدن چندین بار عوض می شود و من که به پنجاه سالگی رسیده ام چندین بار بدتم عوض شده و بقاء انسان به روح او می باشد و این کلمه انا که انسان می گوید اشاره به روح او را دارد و اما آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه یک کلامی در اینجا دارد که بسیار مهم و قابل توجه می باشد ایشان می فرماید "من وقتی به این مباحث می رسم می گویم پروردگارا این مطالب را علماء گفته اند اما من به آنچه که پیغمبر اسلام و ائمه علیهم السلام معتقد بودند اعتقاد دارم" خب این حرف ایشان بسیار خوب می باشد و ما نیز همین را می گوئیم مثلا در اسفار گفته شده "التجرد لقوم والتجسم لقوم آخرین" دو دسته کرده و گفته آخائی که کُمل هستند فقط روحشان محشور می شود اما آخائی که غیر کُمل هستند فقط جسمشان محشور می شود، ولی ما عرض می کنیم اینطور نیست زیرا ما در روایت داریم که پیغمبر اکرم صلوات الله علیه و آله در پیشگاه خداوند متعال سجده می کند خب سجده یعنی پیشانی بر خاک گذاشتن و این از خصوصیات جسم است لذا یستفاد از اخبار و روایات که روز قیامت افراد با همین بدن محشور می شوند و معاد در واقع معاد انسانی می باشد.

این مطالب در مورد فلسفه بود که عرض کردیم البته در فلسفه مباحث خوبی مثل حدوث و قدم و علت و معلول نیز وجود دارد اما مباحث خیالی نیز در آن وجود دارد فلذا ما فلسفه را می خوانیم منتهی برای دانستن نه برای اینکه هر چه گفته اند باور کنیم و ایمان و اعتقاد به آنها داشته باشیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین